

نقشی از خط یار

محدثه اصلانی

۱۳۹۷

سرشناسه: اصلانی قرخلو/محدثه، ۱۳۸۰-

عنوان ونام پدید آور: نقشی از خط یار / محدثه اصلانی قرخلو

مشخصات نشر: ارومیه: پاسبان شرق، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۸ ص. رقی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۹-۱۰-۸-

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: شعر فارسی قرن ۱۴

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century

ه. پندی: شماره: ۱۳۹۷ / ۷ ص / PIR ۸۳۳۴

رده بی. دی. دی: ۸۱۰/۲

شماره کتابخانه ملی: ۵۳۶۳۷



عنوان کتاب: نقشی از خط یار

نویسنده: محدثه اصلانی قرخلو

ناشر: پاسبان شرق

سال نشر: ۱۳۹۷ چاپ اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه و صحافی: اصل

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۹-۱۰-۸-

ارومیه: خیابان فارابی ۱۴ متری اول / پلاک ۲۸- تلفن ۸-۰۰۶-۰۴۴-۰۴۴

۰۹۱۴۳۴۱۴۸۹۲ پست الکترونیکی: farbanshargh_pub@gmail.com

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

فهرست مندرجات :

۷.....	مقدمه
۱۳.....	بنام تو
۱۵.....	هجرت
۱۸.....	با خیز ای دل
۱۹.....	در ده
۲۱.....	شعه
۲۳.....	موسم عشق
۲۵.....	وادی فرسوده
۲۶.....	شهره ی دوران
۲۷.....	قاصدک
۲۸.....	سنگ و گل
۳۲.....	شاهد رویا
۳۴.....	می رسد سیمرغ عشق
۳۶.....	شوق دریا
۴۰.....	توبه شکن
۴۲.....	مقصود غزل ها
۴۴.....	هیزم دل

- چنگ ازلی ۴۵
- در جست و جوی لاله ۴۶
- جرم دل ۴۷
- حال خوش رویا ۴۸
- خطه ی دل ۵۱
- راستی به جاردانه ۵۲
- حاشا که شیرینت شود ۵۴
- گفتم که تن ریایی ۵۶
- پروانه ۵۷
- سند باطل ۵۸
- تصنیف نگاه ۵۹
- رباعی ۶۰
- ورود سبز مهمان ۶۱
- پرواز ز خاکستر ۶۲
- در خیال بیستون ۶۵
- و نشد ۶۷
- جنگلی از موی تو ۶۸

مقدمه :

بنام سراینده ی غزل آفرینش

به نام یگانه سراینده ی ازلی گفتار را آغاز می کنم ، به نام تنها
شعری که زیباترین، منظوم ترین و موسیقایی ترین دیوان جهان را
سرود ، دیرانی که پر از راز هاست و آن را انسان نامید.

نمی دانم چرا آغاز دیرینی برام سخت است مخصوصا وقتی قلم
به دست می گیرم و می خواهم سخنی را در دل پاک کاغذ بگنجانم
. اما گفتن شعر فرق می کند...

زیرا قرار نیست تو آغازش کنی ، خودش آغاز می شود . خودش از
اعماق احساسات می جوشد و دستان تو وسیله ای می شود . ناخوشه
ای از آنها را در کاغذ به یادگار بگذاری . اما گاهی احساسات تو ،
افکار تو در کلمات نمی گنجد و هیچ زبانی را پیدا نمی کنی تا بتوانی
آنها را ترجمه کنی...

این ها را گفتم نه این که بگویم نوشته های من را می توان شعر نامید، چون لزوما هر سخن وزن داری شعر نیست. شعر آن است که خواننده را، شنونده را و بیننده و نویسندۀ را با خود همراه کند و هر کدام را یاد پر احساس ترین اتفاق زندگی شان بیندازد و دریای دل هایشان را متلاطم کند و گاهی آنها را بگریاند و گاهی برقصد، آری، شعر آن است که از عمق دل آمده باشد و بر عمق دل هم بنشیند. برای همین گاهی شاعران شعرهایی موزون می گویند و گاهی بی وزن، این به دل آنها برمی گردد، و شعری ماندگار می شود که شاعرش به دل خود و احساس خود خوب گوش کرده باشد و قالب درست را انتخاب کرده باشد...

من هم وقتی به نجوای دلم خوب گوش کردم، اولین سخنان وزن دارم را گفتم، قبل از آن نثرهایی می نوشتم ولی نمی توانستم سخنی که در دلم بود را در جمله ها بگنجانم اما شعر مستقیم می رود سراغ مقصد اصلی، سراغ سخن اصلی...

هنگامی که اولین سخن وزن دارم را به دیگران نشان دادم آن را
 شعر نامیدند ، من هم که دیدم انگار چشمه ای در حال جوشیدن
 است و همین طور شعر تراوش می کند ، از یگانه شاعر هستی اجازه
 گرفتم ، از حافظ شیرازی درباره ی آنها پرسیدم و فهمیدم نباید این
 چشمه را بخشکانم ، باید ادامه دهم تا آن سخن اصلی از راهی بیرون
 چرند .

در این مدب هرگا دیوان: خواجه حافظ را می خواندم از غزل هایم
 شرمسار می شدم و گاه به دلم می زد تا همه ی آن غزل ها را
 نابود کنم اما وقتی از حافظ شیرازی درباره ی تصمیمم می پرسیدم
 نظرم عوض می شد .

به دیوان شمس مولانای بزرگ مدیونم ، چه قدر با اسعاف و نشینش
 ذره های وجودم به سماع در می آمد و دلم با هر کلمه ای که به بصر
 و شهریار ، این سلطان غزل و عشق ... چه بگویم از این شاعر؟ که
 غزل هایش آتشی می شد بر تمام وجودم، انگار به راستی یک خدا
 و یک حافظ پشت او بود.

و در نهایت می خواهم بگویم که عشق در صفحه صفحه ی دیوان وجود ما نوشته شده و اگر شاعری شعری می گوید ، بخشی از همین دیوان وجودش را خوانده و خوشا آنان که با عشق یکی شده و سرتاسر دیوان هستی را می خوانند .

و البته تا به امروز تخلصی برای خود انتخاب نکرده ام زیرا هنوز هم شک دارم که لبانت شاعر بودن را دارم .

خوانندگان عزیز! امداً دارم اداقل بیتی از سخنانم به دل شما بنشیند ، با اینکه می دانم پر از ایراد است و هنوز خام .

کتابی که اکنون در دست دارید حاصل هزار و فرود اندیشه و عشق من بوده است و روزی از روز های پاییزی اولین کتاب من موزون از ذهنم گذشت و در کاغذ نشست .

اوایل به فکر چاپ شدن آنها نبودم ولی تعداد آنها که بیشتر شد ، به توصیه ی نزدیکانم تصمیم به چاپ آنها گرفتیم ، زیرا من همواره به

خصوص این دوسال اخیر دنبال راهی بودم که به جرگه ی ادبیات به طور رسمی وارد شوم و این برای من یک آغاز بود .

یک آغاز که خود را محک بزnm و بفهمم آیا لایق وارد شدن به مسیر ادب و هنر هستم یا خیر؟

این کتاب شامل تعدادی غزل و مثنوی می باشد . دوستان به من توصیه کردند که برای هر شعر جدیدم تاریخ بزnm اما برای برخی از شعر هایم روزی را تید کرده ام که این حاصل بی دقتی خودم به تقویم بوده است .

لازم می دانم که در اینجا بگویم ، خردن کتاب های ادبی و انس با دیوان حافظ و شناختن ریتم ها و موسیقی کلمات به لطیف تر شدن طبع بنده کمک فراوانی کرد و همین باعث شد که در پاییز ، این بهار عاشق دستم از نوشتن جمله به سوی نوشتن بیت برود .

روشن است که هر کسی با دیدگاهی متفاوت از دیگران از هر شعر برداشتی متفاوت خواهد داشت ، اما یک چیز شاید در شعر هایم قابل درک باشد و این فراز و فرود ذهنی من در اوج نوجوانی است .

من همواره سعی کرده ام به دور از هرگونه تقلید باشم و هر بیت و کلامی که در این کتاب است ، محصول طبع و توانایی ذهنی خودم می باشد . اما ، یک شناسان که به دنبال تفکیک آثار و علمی نشان دادن ادبیات هر دستند شاید بگویند که بیشتر شعر هایم تاثیر پذیرفته از سبک عروسی است . باید بگویم من از اینکه سبک و قالبی خاص را دنبال کنم ، بیزارم و در سبب حال هر قالبی و سبکی که مناسب باشد انتخاب می کنم .